



این یک واقعیت است که آمریکا به دنبال کسب مشروعیت از حضور خود در منطقه خاور میانه است. مشروعیتی که به واسطه جنگ با عراق و افغانستان به دست نیاورد. لذا، سرویس های اطلاعاتی منطقه عامل پیدایش داعش شدند.



به نام شرق به کام غرب

بررسی ریشه های شکل گیری پدیده داعش در خاور میانه

رضا ورنوس

خاور میانه در گیر همان مصائبی شود که پیشتر اروپا به دلیل جریان های ایدئولوژیکی مثل نازیسم، فاشیسم و مارکسیسم تجربه کرده بود.

۱.۲- توسعه نیافتگی مذهبی

دلیل دیگر شکل گیری داعش در درون جامعه مسلمانان را می توان در «عدم توسعه یافتگی مذهبی» در میان مسلمانان دید. رفتار مذهبی به صرف اینکه مذهبی است توسعه یافته تلقی نمی شود و این خصلت خاور میانه ای دارد. همچنان که نظام ارتش، شهرداری ها و آموزش و دولت در منطقه تنش دارد و توسعه یافته نیست، رفتار های مذهبی هم اینچنین است و هنوز رفتاری که بین گروه های مختلف مذهبی در اروپا و آمریکا شکل گرفت و دیالوگ هایی که سعی کرد و جبهه تعارض آمیز مذهب را شناسایی کنند، در اسلام اتفاق نیفتاده است. البته واقعیت این است که اروپایی ها برای رسیدن به این توسعه مذهبی هزینه هنگفتی پرداخته است. جنگ های ۳۰ ساله اروپاییکی از هزینه های آن است. جنگ های سی ساله در اروپا باعث شد تا کاتولیک ها، پروتستان ها و مسیحیان ارتدو کس که اختلافات مذهبی شان به مراتب از اختلافات میان شیعه و سنی بیشتر است به یک ساز و کار کارآمد برای وحدت و توسعه مذهبی دست یابند. حالا ظاهراً خاور میانه در همان مسیر قرار گرفته است. ریچارد هاس رئیس شورای روابط خارجی آمریکا می نویسد: "خاور میانه اکنون در حال تجربه کردن جنگ های ۳۰ ساله اروپا در عصر مدرن است. جنگ هایی که در آن وفاداری های سیاسی و مذهبی به قصد آتش افروزی برای درگیری های بلند مدت و گاهی شبیه دوران بربریت در داخل و خارج از مرز های ملی انجام می شود.

۱.۳- خلاء نظری در حوزه تمدنی

سومین عامل شکل گیری داعش را می توان در خلاء تئوریک در حوزه تمدنی دانست. اسلام سنی در درازی قرن گذشته، و پس از انحلال خلافت، تجربه های مختلفی را برای اجرای شریعت پشت سر گذاشت، اما همه آنها به بن بست خورد. به

تحلیل گران و صاحب نظران در پاسخ به پرسش های فوق، رویکردهای مختلفی را اتخاذ کرده اند، برخی با رویکردی تاریخی می کوشند به ریشه های فکری داعش و بنیادگرایی بپردازند، برخی هم عمدتاً رویکردی سیاسی دارند و در واکنش های شان کوشیده اند فارغ از مباحث اعتقادی مساله را از جنبه تحولات سیاسی و بین المللی بنگرند، در این میان گروهی هم پاسخ به مساله را از جنبه مباحث اعتقادی نگریسته اند و به مباحث الهیاتی و فلسفی توجه کرده اند. با این حال در یک دسته بندی کلی تری می توان دو استدلال فراگیر نسبت به چرایی ظهور و بروز پدیده داعش در خاور میانه ارائه کرد. استدلال اول بر مبنای مجموعه دلایلی است که داعش را برآمده از واقعیت های درونی منطقه خاور میانه تعریف می کند و استدلال دوم بر مبنای مجموعه دلایلی است که داعش و بنیادگرایی مذهبی را بر ساخته جریان های بیرونی و کنش گری خارجی در خاور میانه می داند. در ادامه به تبیین مبسوط ترین دو استدلال می پردازیم:

۱- داعش محصول واقعیت های منطقه خاور میانه

ریشه های درونی و بومی بنیادگرایی مذهبی در خاور میانه و تبلور اخیر آن در قالب گروه تروریستی داعش را می توان در قبض ایدئولوژیک مذهب، توسعه نیافتگی مذهبی و خلاء نظری در حوزه تمدنی دید:

۱.۱- قبض ایدئولوژیک مذهب

با وجود تاکید های فراوان بر وحدت مسلمین واقعیت این است که طایفه گرایی و استفاده سیاسی انحرافی از مذهب به عنوان ابزاری برای جبران فقدان و ضعف دیپلماسی بلوک های قدرت در خاور میانه، مسیری کاملاً مخالف وحدت را پیش پای مردم منطقه قرار داده است. رویکردی که بر نوداد آن تبدیل شدن مذهب به یک ایدئولوژی سیاسی انحرافی است. به بیان دیگر نگاه ایدئولوژیک انحرافی به مذهب را می توان یکی از دلایل اصلی پدیدار شدن داعش و تفکر بنیادگرایی مذهبی دانست. قبض ایدئولوژیک انحرافی مذهب باعث می شود

کمتر روزی است که احکام عجیب و غریب و یا خشونت های دهشتناک داعش در رسانه های جهان مطرح نشود. از ژاپن گرفته تا استرالیا، از فرانسه تا آمریکا کمتر کسی است که نام این گروه را نشنیده باشد. گروه تروریستی بنیادگرایی که با ادعاهایی مثل احیای خلافت اسلامی و بازگشت به سلف صالح، در جلوی دوربین رسانه ها سرگروگان های خود را از نشان جدا کرده، آنها را زنده زنده در آتش می سوزاند و یا از بالای ساختمان های چند طبقه به پایین پرتاب می کند. داعش با خشونت عریان و رعب انگیز همچون مغول سده های میانه دست به کشت و کشتار می زند و مدعی است که می خواهد طرحی کهن را از نو زنده سازد! سرعت رشد داعش و شدت خشونتش در عصر اینترنت و جهانی شدن، ذهن تحلیلگران و کارشناسان حوزه های مختلف تاریخ، روابط بین الملل، سیاست، جامعه شناسی، فلسفه، روان شناسی، ادیان و مذاهب، اقتصاد و... را اودار ساخته که هر یک از منظر خود به تحلیل و بررسی این پدیده بپردازند: داعش چیست؟ از کجا برآمده است؟ آیا خاستگاه یا ریشه ای در تاریخ دارد؟ چه اندیشه ای دارد؟ این اندیشه چه بنیادهایی دارد و چه نسبتی با مذاهب و فرق اسلامی دارد؟ منظورش از خلافت اسلامی در سده بیست و یکم چیست؟ چه چیز می خواهد؟ از دل چه شرایط اجتماعی برآمده است؟ طرفداران بین المللی و مخالفانش چه کسانی هستند؟ نقش دولت های منطقه و جهانی در قدرت گرفتن آن چه بوده است؟ شرایط اجتماعی و ویژگی های منطقه ای خاور میانه در عراق و سوریه به ویژه در سال های اخیر چگونه بوده که برآمدن داعش و گروه های افراطی مشابه را موجب شده است؟ و...